

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۹۳ ■ سه‌شنبه ■ ۲۴ تیر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۴/۴۱ | نیمه شب شرعی ۵/۱۹ | اذان صبح فردا ۴/۱۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۰

رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله:

شستن دست قبل از غذا، فقر را وپس از غذا، غم واندوه را برطرف می‌کند وبه چشم سلامتی می‌بخشد.
سخن روز
مکارم‌الاخلاق ص۱۳۹

نگاره
سهیل محمدی

مصرف برق تهران در وضعیت هشدار

#کنکور

بعد از مدت‌ها حرف و حدیث و درخواست دانشجویان و داوطلبان کنکور درباره زمان برگزاری آزمون‌ها تصمیم‌گیری شد. کنکورهای دکترا و کارشناسی ارشد دو هفته به تعویق افتادند اما کنکور سراسری در همان زمان قبلی اعلام شده برگزار می‌شود. این خبر و تصمیم چندان داوطلبان را خوشحال نکرد. آنهایی که دو هفته دیگر آزمون دارند می‌گویند که در این مدت تغییر خاصی در شرایط بیماری کرونا انجام نمی‌شود و از طرفی داوطلبان کنکور سراسری معتزضند که چرا کنکور آنها به تعویق نیفتاده است؟ در مقابل همه اینها واکنش بعضی‌ها را هم می‌بینیم که از تغییر زمان برگزاری کنکورهای دکترا و ارشد ناراحتند: «باز تاریخ کنکور عقب افتاد که»، «بچه‌های ارشد و دکترا حالا برای شما دو هفته تغییر دادن. برای ما همون نیست. البته با دوهفته نه آمار تغییر میکنه نه هوا مناسب برگزاری میشه. من کنکور نمیدم چون به هیچ وجه امنیت جانی نه برای خودم و نه برای خانوادم وجود نداره»، «من دیگه خسته شدم. همه کارا و برنامه‌هامو گذاشتم برای بعد کنکور هی کنکور عقب میوفته»، «کنکور دکترا رو عقب انداختن مثلاً. افتاده ۹ مرداد. الان می‌دایم که بهتر بود؟ ۹مرداد وضع کرونا بهتر میشه؟»، «این همه اعتراض، هشتگ

دیروز آمار قربانیان بیماری کرونا باز هم از ۲۰۰ نفر گذشت. خبر تلخ و ععدی که هر روز از شنیدنش می‌ترسیم. کاربران زیادی به این آمار اشاره کردند و درباره‌اش نوشتند و به این بهانه خیلی‌ها از کادر درمان و خستگی و بیماری‌شان گفتند. پزشکان و پرستارانی که در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند هم درباره مشکلات این روزهای‌شان می‌نویسند: «یکی دیگه از پزشک‌هامون هم با علائم مشکوک رفت برای قرنطینه. کرونا نکشه، کار ما را قطعاً خواهد کشت»، «کرونا زیاد نمیشه ما داریم تموم می‌شیم»، «یه دوست پزشک دارم ماجرا



که چند وقت پیش داییش فوت کرد. آنقدر به همه گفت مراسم نگیرین و نرید که کل فامیلش باهاش درگیر شدن. حتی پدر مادر خودش. مراسم گرفته شد و درصد زیادی از افراد اون مراسم کرونا گرفتن. از جمله پدر مادر خودش. همه هم برای ویزیت رفتن پیشی و الان گفت که خودش هم گرفته»، «واقعاً نمیشه خستگی کادر درمان رو درک کرد»، «در موج جدید کرونا ابتلای منجر



بدشانشی نمایشی

گرچه بین «شنای پروانه» و «خوب بد جلف ۲» تفاوت زیاد است، از تفاوت ژانری تا تفاوت کیفی؛ اما هر دو یک درد مشترک دارند و آن بدشانشی در اکران و نمایش است. بدون شک هر دو فیلم از پرفرورش ترین‌های سینمایی ۹۹ بودند اگر کرونا نبود. هر دو فیلم می‌توانستند تجربه دلچسب و خاطره خوبی برای مخاطبان خاص خود از سینما رفتن بسازند اما کرونا نگذاشت. موج دوم کرونا هم باعث شد تا رسول صدرعاملی تهیه‌کننده شنای پروانه درخواست توقف فیلم را بدهد و دلیل آن را احترام به همه پزشکان و پرستارانی بداند که در جدال با کرونا هستند تا در روزهای خوب و بهتر بتواند فیلم را به تماشا بگذارد. بدیهی است این وقفه و فاصله‌گذاری سینمایی گرچه با نیت انسانی و همدلانه انجام شده اما قطعاً اکران فیلم را به یک اکران پراکنده و مخدوش بدل می‌کند. از سوزی دیگر اکران آنلاین با همه مزایای احتمالی اش نمی‌تواند به اندازه اکران در سینما فروش را تضمین کند. حتی اکران سینمایی در شرایط کرونایی هم نمی‌تواند به فروش مطلوب برسد. محمد کارت در شرایط عادی می‌توانست در اکران نخستین فیلم بلند خود، در موقعیت سعید روستایی قرار بگیرد. او نیز مثل روستایی نخستین فیلم بلندش مورد توجه مردم و منتقدان در جشنواره فجر قرار گرفت و قطعاً در اکران عوممی در شرایط متعارف می‌توانست موفقیت آن را تکرار کند اما کرونا مانع شد. با این حال کرونا ثابت کرد مقوله اکران و مناسبات آن بشدت به عناصر و عوامل فاکتورهای برون متنی و اجتماعی وابسته است. بحران‌های اجتماعی می‌تواند بحران مخاطب در گیشه را تشدید کرده و به آن دامن بزند یا حتی بحران‌های

یادداشت



رضا صانعی
روزنامه‌نگار و منتقد

از ماسک مفقودار قرون وسطی تا ماسک مدرن N۹۵

پیام فروتن
طراح و استادیار دانشگاه تهران

دورانی که بشر پاسخ تقریباً تمام پرسش‌های خود را در دست داشت.

در این عصر، علم و پرشش‌ها و نیازهای بشری همگام با یکدیگر حرکت می‌کردند و هر یک مکمل دیگری بودند. اما... با ظهور انقلاب صنعتی و ورود به جهان جدید، علم راه خود را از بشريت جدا کرد و در این مسیر آنقدر پیش رفت که امروزه نگرانی‌های متعددی را برانگیخته است؛ از بازتولید انسان برتر گرفته تا فناوری‌های زیستی و هوش مصنوعی. این در حالی است که هزاران سال قبل، اساطیر، تمام این مؤلفه‌ها را در قالب آیین‌های باستانی تشریح کرده بودند؛ قالبی که عمیقاً با ظرفیت‌های انسانی همگون و همراه بود. انسان کهن، تقریباً بر تمام مسائل علمی «ضروری» امروز آگاه بود و تنها علت وجودی آنها را نمی‌دانست. علم امروز، تنها علت‌ها را کشف و بازگو می‌کند.

در قرون وسطی و در زمان فراگیری طاعون یا مرگ سیاه، پزشکان از لباسی خاص استفاده می‌کردند. این لباس شامل یک پالتوی بلند بود که آن را برای پرهیز از نفوذ عوامل بیماری زا، با موم آغشته می‌کردند. دستکش، چکمه، کلاه، عصای چوبی و البته نوعی ماسک مخصوص، این لباس را کامل می‌کردند. ماسک مخصوص دوران طاعون، از شکل و شمایل سر یک کلاغ با منقاری بلند برخوردار بود. در آن دوران علت بروز بسیاری از بیماری‌ها از جمله طاعون را گسترش میازما یا هوای بدبو و آلوده می‌دانستند. بدین ترتیب پزشکان با ریختن گیاهان خوشبو در منقار ماسکی که بر صورت می‌زدند به سراغ بیماران می‌رفتند. این لباس ویژه بیماران شما را به یاد چه چیز می‌اندازد؟ نگاهی به پزشکان و کارکنان اورژانس امروز در مواجهه با بیماران کرونایی ببندارید. آیا چیزی جز یک چکمه، لباس نفوذناپذیر و یک ماسک بر صورت دارند؟ آیا این دست لباس کاملاً مشابه لباس‌های پزشکان قرون وسطی نیست؟! و آیا میازما یا هوای آلوده، دقیقاً همان انتشار ویروس در فضای اطراف نیست؟! تنها تفاوت اینجاست که امروزه علت بروز بیماری‌ها – ویروس‌ها – را می‌دانیم و در آن روزگار درکی از آن وجود نداشت، اما شیوه برخورد و پیشگیری کاملاً امروزی و مدرن بوده است.

علم امروز نباید بیش از حد به خود مغرور باشد. جهان، یک یا چند دور، تاریخ را تکرار کرده است. نتیجه همواره با قابلیت‌ها و نیازهای انسانی همگون و همراه بوده است. علم قرن بیست و یک، جهت تاریخ را تغییر خواهد داد و با پیشی گرفتن از نیازهای محدود انسانی منجر به انقراض و نابودی او خواهد شد.

مر ترضی شایسته: توصیه ما ادامه اکران است

برای انصراف فیلم «شنای پروانه» با شورای صنفی نمایش هماهنگی صورت نگرفته و توصیه روز شنبه (۲۲ تیرماه) ما در شورا به آقای صدرعاملی (تهیه‌کننده فیلم)، ادامه اکران بود. این مطابق قانون نیست که هر کسی شرایط را آن‌طور که خودش می‌خواهد مناسب ندید، تصمیم بگیرد فیلمش را از پرده پایین بکشد. این کار نظم سینما را به هم می‌ریزد. بنابراین توصیه ما به ادامه اکران است و غیر از این هم نخواهد بود، مگر اینکه ستاد ملی مبارزه با کرونا اعلام کند فعالیت سینما به صلاح نیست که فعلاً هم چیزی اعلام نکرده است؛ اگر صاحب فیلمی نگران باشد، فیلمش را برای اکران ارائه نمی‌کند و وقتی اکران می‌شود یعنی شرایط را پذیرفته است، ضمن اینکه ما به هر حال تمهیداتی را هم برای این فیلم‌ها در نظر گرفته بودیم.

واکنش دبیر شورای صنفی نمایش به انصراف «شنای پروانه»

تازه یابا فریנד. فیلم خوب و سالن خوبی نیست، به اکران خوب و بموقع هم نیاز است تا اثری دیده شود و چنانکه شایسته است دیده شود. این مسأله نیاز سینمای ما به مطالعات و پژوهش در حوزه جامعه شناسی و اقتصاد سینما را بیشتر می‌کند. اگر مطالعات سینمایی بین رشته‌ای و دستاورد هایش در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت سینمای ایران می‌توانست برای زمان‌های بحرانی خود راهکارها و راهبردهای عملی داشته باشد. کرونا و تأثیرات مخرب آن بر اکران و اقتصاد سینما نیاز به مدیریت بحران در سینما را ضروری‌تر می‌سازد. اکنون زمان آن است تا پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی مثل جامعه‌شناسان و متخصصان ارتباطات و تبلیغات به کمک سینما آمده و برای این شرایط بحرانی که سینما عملاً در آستانه ورشکستگی قرار گرفته، ساز و کاری طراحی و تدوین کنند. کرونا با همه بدی‌هایش در مورد سینما این حسن را داشته که بسیاری از ضعف‌ها و گیر و گورهای ناشناخته و پنهان آن را نشان داد و اینکه چقدر در برابر ناملایمات و بحران‌های اجتماعی شکننده است. بدون شک یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سینمایی در سال ۹۹ و چه بسا یکی از مهم‌ترین موقعیت‌هایی که سینمای ایران در طول تاریخ تجربه کرد، همین تجربه اکران آنلاین بود که پیش از این سابقه نداشت. اکران آنلاین هم یک راه حل در برابر تعطیلی اجباری سینماها بود و هم تجربه جدیدی که حتی در شرایط متعارف هم می‌تواند به‌عنوان یک پلتفرم مورد توجه قرار بگیرد. مسأله این است که سینمای ما برای چالش‌های فراسینمایی و مواجهه با بحران‌های اجتماعی هنوز آمادگی و تجربه لازم را ندارد و مجهز نیست. به این فکر نکرده که برای روزهای بحرانی و برای عدم شکست و ورشکستگی در برابر این بحران‌ها چه باید بکند. اکنون زمان اندیشیدن به این چه باید کردن هاست!

قطعاتی التیام‌بخش از «شاعر پیانو»

به گمانم این روز‌ها که سنگینی نگرانی از بیماری کرونا بر روحمان سایه افکنده بهترین فرصت است تا در جست‌وجوی پناهگاهی التیام‌بخش، به سراغ هنر برویم. پیشنهاد من برای آنهایی که علاقه‌مند موسیقی هستند گوش سپردن به نوکثرون‌های «فردریک شوپن»، موسیقیدان مطرح لهستانی و نوازنده شاخص پیانو است. اما چرا شوپن و اصلاً چرا نوکثرون‌های او! این موسیقیدان مطرح عنوان جالبی دارد، «شاعر پیانو». از توجه به همین دو کلمه می‌توان به جایگاه اثرگذار او پی برد، به اینکه او توانسته از جادوی شاعرانگی در خلق شاهکارهای موسیقایی خود آن‌چنان بهره‌برند که چنین شهرتی کسب کند و با استفاده از نبوغی مثال‌زدنی حال و هوای شعر و موسیقی را در هم آمیزد. بخشی از آثار به‌جای مانده از شوپن به نوکثرون‌های او اختصاص دارد، البته از شوپن نه تنها نوکثرون، بلکه والس، سونات پیانو، پرلود و... حتی قطعاتی از پیانو هم به یادگار مانده است.
بااین حال پیشنهاد من گوش سپردن به نوکثرون‌هاست که مجموع آنها در نهایت بیست و خرده‌ای می‌شود. پیدا کردن این نوکثرون‌ها هم کار سختی نیست، هم از طریق سایت‌های موسیقی و هم فروشگاه‌های محصولات فرهنگی قابل دسترسی است. دوستانی که هنوز با سبک موسیقی و کارهای شوپن آشنا نیستند بهتر است کم‌کم به سراغ کارهای او بروند تا این آشنایی به شکل تدریجی رخ بدهد؛ آن‌وقت حتم دارم که آنان هم به جمع طرفداران این موسیقیدان شاخص جهان می‌پیوندند



و در میان توصیه‌های خود به دوست و آشنا حتماً نامی از او خواهند برد. اما مهم‌ترین دلیلی که در گوش سپردن به نوکثرون‌های شوپن دارم به آرامش خاصی بازمی‌گردد که در کارهای او نهفته است، با این شرایطی که جهان امروز گرفتارش شده حداقل از این طریق می‌توانیم قدری روح خسته‌مان را آرام کنیم.

عکس نوشت

مجسمه برنزی «نیاز» ساخته کامبیز شریف، هنرمند ایرانی، در مرکز شهر ونکوور کانادا نصب شد.
کامبیز شریف این مجسمه را با موضوع مهاجرت ساخت و آن را در دوسالانه ونکوور ارائه کرد. این اثر فرمال دارای یک گوی برتابنده بزرگ با سه شاخه به شکل یک نهال است که به سمت آسمان بالا رفته است. مجسمه «نیاز» الهام گرفته شده از تجربه شخصی کامبیز شریف به عنوان یک مهاجر است و نمادی از «قدردانی و پتانسیل متقابل» مهاجران را به نمایش گذاشته است.



کسی که به خودش دروغ می‌گوید و به دروغ خودش گوش می‌دهد کارش به جایی خواهد رسید که هیچ حقیقتی را نه از خودش و نه از دیگران تشخیص نخواهد داد.

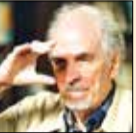
ایله فنودور داستایوفسکی

به نام تاریخ

در صد و هفدهمین روز از سال جدید و البته همزمان با ۱۴ جولای میلادی باید کارگردانی وفیلمسازي ثبت کرد که ماندگار

سالروز تولد اوست: از اینگمار برگمان.

تولدا



اینگمار برگمان: کارگردان بزرگ سوئدی سال ۱۹۱۸ به دنیا آمد و سبکی خاص در کارگردانی وفیلمسازي ثبت کرد که ماندگار شد. برگمان کودکی سختی داشت و از همان دوران به سینما و تئاتر علاقه پیدا کرد. در دانشگاه استکهلم رشته هنر و ادبیات خواند و فیلم و تئاتر دید و نوشتن چند نمایشنامه و حضور در یک نمایش به‌عنوان دستیار کارگردان کارش را آغاز کرد. اولین کار مهم او نوشتن فیلمنامه «شکنتجه» بود که «الف خوباریا» آن را کارگردانی کرد و برگمان دستیارش بود. اولین تجربه کارگردانی‌اش هم با فیلم «زندان» در سال ۱۹۴۹ رقم خورد و پس از آن فیلم‌هایی را مانند «تابستان با مونیکا» ساخت. اما فیلمی که او را مطرح کرد «یخنده‌های یک شب تابستانی» بود که جایزه اثر طنز شاعرانه را هم برایش گرفت. «مهر هفتم» و «توت فرنگی‌های وحشی» موفقیت‌های بعدی او بودند و برایشان جایزه‌هایی را مثل خرس طلایی برلین برد. «همچون در یک آینه»، «نور زمستانی»، «سکوت»، «شرم» و «سونتا پاییزی» دیگر فیلم‌هایی هستند که از برگمان به یادگار مانده است. جالب است بدانید که این فیلم‌ها و فیلمنامه‌هایشان از بخش‌هایی از زندگی شخصی خودش الهام‌گرفته‌اند. از تصاویر و داستان‌های کوچک و بزرگ زندگی‌اش. برگمان به ساخت فیلم‌های فلسفی شهرت داشت اما خودش عاشق دیدن فیلم‌ها و سریال‌های عامه پسند بود. او سال ۲۰۰۷ درگذشت.

فرناز بهزادی: سال ۱۳۲۸ در چنین روزی یکی از کارگردان‌ها و طراحان عروسک ایران به دنیا آمد که شاید با نامش چندان آشنا نباشید اما حتماً کارهای او را دیده‌اید. فرناز بهزادی دیپلم معماری داخلی از تهران و دیپلم نقاشی و مجسمه‌سازی را از سوئیس گرفت و بعد به انگلستان رفت تا تئاتر عروسکی بخواند. پس از پایان تحصیلاتش به ایران بازگشت و هم به‌عنوان طراح لباس و هم به‌عنوان طراح عروسک مشغول به کار شد. کار طراحی لباس سریال مشهور «دلبران تنگستان» برعهده او بود و طراحی صحنه فیلم «عبدالله» به کارگردانی جرج برتونی و طراحی و ساخت عروسک و ماسک نمایش «ویکتور هوگو و ویاهایش» به کارگردانی رنه دوماز را انجام داد. یکی از کارهای جالب او ساخت ۱۸ عروسک تزیینی با ۱۸ لباس و آرایش متفاوت از مناطق مختلف ایران است که در موزه صوفیه شهر سن خوزه آمریکا به نمایش در آمد. او نمایش‌های عروسکی «عروسک باد»، «خاله نخودی»، «الکس و ستاره شناسی» و «هزار و یک شب» را در شهرهای مختلف دنیا روی صحنه برده و برای نمایش‌های بسیاری از کارگردان‌های بزرگ ایران مانند علی رفیعی، نادر بهرانی مرند و محمود فرهنگ عروسک و ماسک ساخته است.

عصافریور کارگردان و بازیگر، اسماعیل همتی نمایشنامه نویس و پژوهشگر، **الله دهنوی** داستان نویس و مترجم و **منوچهر ریاحی** معمار پیشکسوت هم متولد امروز هستند.

درگذشت‌ها



مهابت نوروزی: یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان سوزن دوز سیستان و بلوچستان سال ۱۳۹۱ در هفمین روز درگذشت. مهابت نوروزی مانند بسیاری از دختران بلوچ از کودکی سوزن دوزی می‌کرد و آنقدر توانا بود که در ۱۶ سالگی استاد شد. کارهای او در بسیاری از نمایشگاه‌های ایرانی و خارجی به نمایش در آمدند و مورد توجه قرار گرفتند و بسیاری از آثارش در لباس‌های فاخر و خاص مانند لباس‌های درباری استفاده شدند. البته سوزن دوزی تنها هنر او نبود و مهابت نوروزی در پریوار دوزی، سیاه دوزی، آینه دوزی و سکه دوزی هم استاد بود و به بسیاری از دختران استان‌شان آموزش داد. نوروزی بیش از ۶۰ سال سوزن دوزی کرد و در سال‌های آخر عمرش به‌دلیل مشکلات جسمی و آلزایمر نتوانست کار کند. سال ۱۳۸۶ اداره میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان برای او ۱۶ سال سابقه کار در نظر گرفت و او بالاخره توانست در ۵۷ سال آخر زندگی‌اش حقوق بازنشستگی دریافت کند. تعدادی از کارهای او در موزه سعدآباد تهران نگهداری می‌شود.

